

## خانواده و تربیت دینی فرزندان روش های پرورش مذهبی



روش، عبارت از طریقه ای علمی است که برای وصول به هدف انتخاب می شود. یا مجموع فعالیت هایی است که رسیدن ما را به مقصدی میسر می کند و معمولا از طریق روش می توان زودتر به هدف رسید. افراد به دنیا می آیند در حالی که ذهنی خالی دارند. برای پر کردن ذهن آنها لازم است از راه چشم و گوش و عقل اقدام کنیم و این ترتیبی است که قرآن نیز بدان اشاره دارد. ترجمه: و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که چیزی نمی دانستید، و برای شما گوش و دیدگان و دل ها قرار داد تا شکر گزارید (نحل، 78) بدین سان در پرورش مذهبی همین ترتیب را باید به شرح زیر رعایت کرد:

**1- روش ارائه الگو:** در این روش چشم به مسائل احاطه دارد و اهمیت گوش در درجه دوم است. اولین باری که مسئله آموزش وضو مطرح شد بنا به روایات مذهبی، جبرئیل عملا در برابر پیامبر وضو گرفت و پیغمبر نیز آن را دید، فرا گرفت، و عمل کرد. خود پیامبر درباره نماز فرمود: همانگونه که می بینید من چگونه نماز می گزارم شما نماز بگزارید. از طریق ارائه الگو، به سرعت می توان مسائل مذهبی را به کودکان یاد داد و آنان را به عمل واداشت؛ مخصوصا از آن بابت که حس تقلید در کودکان بسیار قوی است.

مسئله مهم در این روش این است که الگو باید کامل، و نمونه اخلاق و آدابی باشد که مکتب مورد قبول بر آن صحنه می گذارد. زیرا هرگونه اشتباه و سهل انگاری موجب بدآموزی و انعکاس ناروا در آدمی می شود. زمینه مثبت دیگر در این امر این است که تقلید کودک همیشه از روی شعور و آگاهی نیست. بدین سان باید در ارائه الگو و عمل، کمال توجه را مبذول داشت و در اموری چون نماز، آشنایی به مسائل دینی، رعایت عدالت، دفاع از حق، خیرخواهی، احسان، دستگیری از مردم، آزادمنشی و رفتار اجتماعی و اسلامی را آموخت.

**2- روش آموزش:** این روش در حقیقت مکمل روش قبلی است و برای کودکان بزرگتر حتی مقدمه پرورش است. یعنی نخست لازم است چیزی را از راه چشم و گوش بیاموزد و آنگاه عمل کند. در این روش هدف، اصلاح عمل و رفتار از طریق تذکر و یادآوری است یعنی عملی که فرد انجام می دهد، در صورت خطا و اشتباه، به وسیله مربی اصلاح و رفع عیب گردد.

**3- روش تلقین و الغاء:** با این روش می توان در فرد وابستگی به مذهب و خدا ایجاد کرد. از طریق ذکر آیات خدا، مهربانی های او و نعمت های او می توان در کودک ترس و خوف ایجاد کرد و یا روح امید را در دل او زنده ساخت. می توان مهرخدا را از این راه در دل او گنجاند و مفهوم دوست داشتن و دوست نداشتن خدا را به او تفهیم کرد بدان گونه که آنچه را خدا دوست دارد انجام دهد و آنچه را خدا دوست ندارد انجام ندهد. در این روش گاهی عمل فرد به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مورد ستایش قرار می گیرد و او به مذهب وابسته می شود. به طوری که شوق وابستگی به خدا در دل او جای می گیرد و براساس آن احساس لذت و شادمانی می کند.

**4- روش داستان سرایی:** وسیله خوبی برای تحریک اندیشه جهت تفکر، عبرت آموزی، تسلی خاطر، هدایت از گمراهی، حساسیت در برابر امور، تفکر درباره جهان داخل و خارج و .. است. از راه داستان می توان تا حدود بسیاری به صورتی غیر مستقیم ضوابط مذهب را آموخت و بر شئون زندگی حکومت داد. آنچه در پرورش مذهبی با استفاده از روش داستان باید مورد نظر باشد این است که:

- داستان باید صفات خوب و نکات برجسته را نشان دهد.
- با سن افرادی که از آن پند می آموزند متناسب باشد - مثلا داستان ها برای سه ساله ها باید در طرز غذا خوردن، مهمانی رفتن، لباس پوشیدن، طرز برخورد با افراد، معرفی پدیده ها، اسامی اشیاء و از این قبیل باشد.
- هر داستان به تناسبی و بنا به ضرورتی ذکر شود.
- داستان دارای نتیجه ای ارزنده باشد و آن نتایج ذکر شود.
- داستان بدآموزی نداشته باشد و موجب زمینیه انحرافی در افراد نشود.

### **روش های کمکی در پرورش مذهبی:**

در این روش فرد خود دارای نقشی فعال در امور زندگی و سازندگی در خویش است و نقش مربی اعم از معلم و والدین در مرحله دوم اهمیت است. در این طریق از روش های زیر می توان استفاده کرد:

**1- سیر در آفاق و انفس:** تماشای آیات معجزآسا که مظاهر قدرت ازلی هستند درآمدی تحولی ایجاد می کنند که بر اساس آن انسان ناگزیر وادار به ستایش و تکریم می شود. ملاحظه طبیعیات مؤثرتر از استدلال عقلی است و از طریق محسوسات بهتر و بیشتر می توان خدا را شناخت و به مهر و انتقام او پی برد. آیات متعددی از قرآن افراد را به سیر در آفاق و انفس دعوت می کند. مثلا می گوید: در زمین سیر کنید و عاقبت افرادی را که پیش از شما در این جهان بوده اند ببینید. به خلقت شتر نگاه کنید، آسمان برافراشته و زمین مسطح را ببینید و در وجود خود خوب بنگرید... نتیجه این سیر ادراک و شهود است و عرفان و احساس، و در نتیجه وجدان و دریافت حقایق امور.

**2- تفکر و تدبیر:** انسان را حیوانی متفکر دانسته اند و تفکر نوعی سخن گفتن و استدلال بدون صداست. از عناصر اصلی تفکر، انگیزه و هدف است و راه ایجاد آن دقت و توجه به روابط موجود بین پدیده ها، ابتکار و کشف راه حل مناسب است. آنچه تفکر را ممکن می سازد کسب معلومات، محرک های حسی، طرز تفکر انتقادی، ایده آل و آرزوها و مساعد بودن جو فرهنگی است. بالطبع آنچه آدمی را از تفکر باز می دارد ترس است و اضطراب، اجبار است و اکراه و سنگینی مسئولیت. متربی را در طریق تربیت و در برابر امری که انجام شده باید به فکر کردن واداشت که آیا امر مورد نظر خطاست یا صواب. از امکانات مثبت در این امر یکی آن است که فکر در قید زمان و مکان نیست و بدین نظر فراخنایی بس وسیع دارد. قرآن در مسیر تربیت طی آیات بسیاری دعوت به تفکر و تدبیر در امور می کند.

**3- عبرت آموزی:** پند گیری از مشاهده آن چیزهایی است که در محیط او وجود دارند از تحولات و دگرگونی هایی که در زندگی انسان ها، حیوانات و گیاهان روی می دهد و از برداشت آن راه زندگی خود را روشن کند و در حقیقت دلاپلی برای رفتار و خط مشی خود پیدا نماید.

**4- آزمایش و تجربه:** تنها عقل وسیله کشف حقایق و وصول به آن نیست بلکه حس هم وسیله ارزنده ای در این زمینه است. واقعیت این است که آدمی به گفته ها و شنیده ها کمتر اعتماد پیدا می کند و اطمینان قلبی هنگامی حاصل می شود که آنچه را شنیده به چشم ببیند و با دست آزمایش و تجربه کند. از راه آزمایش و تجربه برای انسان آسودگی فکری فراهم می آید. در داستان حضرت ابراهیم اطمینان برای ابراهیم (ع) از راه مشاهده و تجربه حاصل می شود.

**5- تعقل و استدلال:** به کار بردن خرد در امور و استفاده از منطق و قوای باطنی برای کشف حقایق است. از طریق تعقل و استدلال می توان به روابط علت و معلولی امور پی برد و در پذیرش ضوابط و نافذ داشتن آن در امور، وجدان را راضی و اقناع کرد. برهان، روان آدمی را تسلی می بخشد و اعضاء را برای عمل به آنچه که جاننش باور داشته قدرت و اعتماد می دهد. در قرآن کریم نیز به مسئله استدلال و برهان توجهی عمیق شده است.

### مراحل پرورش مذهبی کودک

شک نیست که هر سنی مقتضایی دارد. برنامه ای که درباره یک کودک سه ساله اعمال می شود با برنامه ای که درباره یک کودک ده ساله و یا چهارده ساله عمل می شود به کلی متفاوت است. درست است که پرورش مذهبی از آغاز تولد انجام می شود ولی قبل از تولد مراقبت هایی باید انجام شود که آن هم جزو پرورش مذهبی است. پرورش مذهبی به حقیقت از حین انتخاب همسر و بعد از ارتباط زناشویی شروع می شود. افکار مادر در دوران بارداری، غذاها، برخوردها و رفتارها در آن مؤثر است. پس از تولد، والدین تا 21 سال درباره فرزند خود مسئولیت مستقیم دارند و کوتاهی درباره فرزندان گناهی بزرگ در برابر خدا، و جرمی نابخشودنی در برابر جامعه است. در کتب روایتی، این دوره 21 سال است و به سه دوره هفت ساله و هر کدام به دوره های جزئی تر قابل تقسیم است.

**هفت سال اول:** دوره تکوین است. و پرورش مذهبی در حقیقت از همان روز اول تولد شروع می شود و آن از طریق انجام مراسم مذهبی است. آنچه درباره کودک عمل می شود: مراسم گفتن اذان و اقامه در دو گوش او و کام برداشتن با تربیت امام حسین (ع)، تسمیه به نام های نیکو، عقیقه؛ بعدها به همراه رشد و در سنین مختلف تکالیف گوناگونی به کودک داده می شود. مثلاً از سه سالگی آموزش جمله تهلیل است ( ذکر لا اله الا الله )، از 3/5 سالگی آموزش شهادت به رسالت محمد (ص) از چهار تا پنج

سالگی تمرین صلوات، از پنج سالگی آموزش دست چپ و راست، از شش سالگی آموزش قبله، سجده و رکوع، از حدود هفت سالگی تمرین نماز و بیدار شدن برای سحری است.. در دوران کودکی نباید فراموش کرد که چهار سال اول تولد بسیار مهم و در پایه گذاری شخصیت، دارای اهمیت فوق العاده است بدان گونه که می توان گفت هفتاد درصد شخصیت کودک در این سن پایه گذاری می شود.

**هفت سال دوم-** دوره ای است که باید کودک تحت کنترل اندیشیده والدین و مربی از نظر اعمال و رفتار باشد و لاقبل به دو دوره هشت تا ده، و 11 تا 14 سالگی تقسیم می شود. در این دوره نیز به تناسب سن و رشد، تکالیف مذهبی برای کودک فراهم می شود. مثلاً در آغاز این دوره مسئله شستن دو کف دست و تا پایان نه سالگی تمرین وضو و از ده سالگی تشویق به نماز شوند. ایمان واقعی به مذهب از حدود 12 سالگی در کودک پیدا می شود. در این سن تا حدود قابل توجهی می توان مفاهیم اصیل مذهب را به او منتقل کرد. ضمناً فراموش نکنیم میانی اخلاقی و تربیتی به مفهوم آداب معاشرت و رسوم و سنن در همین دوره باید به کودک منتقل گردد. پایان این دوره همزمان با دوره نوجوانی است و کودک با تجاربی که در زمینه های مختلف به دست آورده بالنسبه فردی مستقل و صاحب نظر می شود.

**هفت سال سوم:** دوره تمرین و عمل به آموخته ها است. در این دوره نیز که خود به سه مرحله پایان نوجوانی، دوران بلوغ و دوره جوانی قسمت می شود آدمی زیر نظر مربی و تحت مراقبت آنها به انجام وظیفه بپردازد. بخش اعظم عنایت والدین باید متوجه دوران بلوغ باشد که دوره رشد احساسات و نوعی تولد مجدد است. افراد در این دوره راجع به معتقدات خود تجدید نظر دارند. (بهشت و دوزخ، دنیای پس از مرگ و سرانجام کار به کجا منتهی می گردد). نیاز آنان به راهنمایی در این دوره به اوج می رسد و مربیان باید زیر بازوی آنها را بگیرند و هدایتشان کنند. ایمان به مذهب از شانزده سالگی اوج می گیرد در پایان بلوغ و از حدود هجده سالگی دوره استقلال تقریبی است، دقت و استقلال منطقی در او رشد می یابد و می توان از این طریق به آموزش افراد پرداخت.

### **نکات مورد توجه در تربیت:**

- 1- مسئله جنس:** در تربیت اسلامی نوع پرورش دختر و پسر متفاوت است و این تفاوت به مناسبت وجود تفاوت های طبیعی و تفاوت های وظیفه ای است. در جنبه تفاوت های طبیعی، مذهب نیز مانند علم قائل به این است که پسر و دختر از نظر روحی و جسمی با هم تفاوت های آشکاری دارند. رشد آنها در مراحل مختلف سنی، احساس و عاطفه آنها و از همه مهمتر بلوغ جنسی و عقلی آنها با هم فرق دارد و می دانیم که عالی ترین نظام تربیتی آن است که این تفاوت ها و نکات را در نظر گیرد.
- 2- نوع مسائل مورد آموزش:** از نکات مهمی است که در امر تربیت باید مورد نظر باشد. نوع مطالبی که به افراد می آموزیم باید با سن و متقاضی سنی و عقلی افراد مطابقت داشته باشد.